دين و دنيا

جعفر فكرى

درباره دين و دنيا از چند جهت مى توان بحث كرد:

1. رابطه دين و دنيا چيست؟

2. نظر دين درباره دنيا چيست؟

3. آيا دين در امور دنيوى دخالت دارد يا خير; به ديگر سخن آيا دين در مقام اداره شئون گوناگون جامعه بشرى, نقشى دارد يا خير؟

سخن ما پيرامون عنوان اخير است.

انديشمندان اسلامى از ديرباز در آثار كلامى و فقهى خويش در زمينه قلمرو دين سخن گفته و قلم فرسايى كرده و مرز آن را تبيين كرده اند, اما امروز با رشد علوم تجربى و نگرش كاركردگرايانه و سودجويانه به مسائل دينى اين مبحث با رنگ و شكل تازه اى تبلور يافته و با عنوان انتظار بشر از دين دوباره مطرح شده است.

هرچند خاستگاه اين نوع رويكرد به دين, ويژه فرهنگ دينى مسيحيت و غرب است و با فرهنگ اسلام ارتباط ندارد, زيرا جامعيت اسلام و شمول آن به امور دنيوى و اخروى بر هيچ مسلمان آگاهى پوشيده نيست; لكن چون امروزه به دليل گسترش ارتباطات و تبادل فرهنگ و انديشه و افكار بين ملت ها و ترجمه آثار غرب و انتقال آن به جامعه ما, اين مسئله به عنوان يك شبهه مذهبى مطرح است و حتى به عنوان يك ديدگاه اسلامى و قرائت خاصى از دين طرح شده است, مى طلبد كه صاحب نظران و متفكران اسلامى به پاسخ گويى روشن و دقيق آن بپردازند.

تاريخچه پيدايش بحث دين و دنيا

پس از (رنسانس) كه حاكميت مستبدانه و بى منطق كليسا خاتمه يافت, دو دسته به فكر افتادند كه قلمرو دين را محدود كرده و آن را از امور دنيوى جدا كنند. هرچند انگيزه اين دو گروه كاملاً متضاد بود, اما نتيجه يك چيز بود و آن, حاكم ساختن انديشه سكولاريزم بود. عده اى از دين ستيزان و ملحدان بودند كه به انگيزه رهايى از دين و كنار زدن آن از صحنه زندگى اجتماعى و سياسى, نشر و ترويج انديشه هاى لائيك, ليبرال و اومانيست, از سكولاريزم و دنياگرايى جانبدارى كردند تا آزادانه خواسته هاى خود را اعمال كنند.

دسته ديگر, دين داران و موحدانى بودند كه به انگيزه نجات و رهايى دين از اضمحلال در برابر تهاجم طرفداران رنسانس, حاضر شدند دين از صحنه اجتماع و سياست جدا بماند تا سنگر خود را در قلب طرفداران خويش حفظ كنند و بگويند: كار خدا را به خدا و كار قيصر را به قيصر وامى گذاريم تا قداست دين باقى بماند.

متعاقب اين انديشه, كم كم در جهان اسلام و ايران نيز افرادى كه با آثار غرب آشنا شده بودند, به نشر دستاوردهاى فكرى آنان پرداختند و انديشه جدايى دين از مسائل دنيوى را به عنوان يك الگوى مترقى مطرح ساختند.

طرفداران اين تز, در سال هاى اخير, انديشه جدايى دين از امور دنيوى را به عنوان كالايى نو و سوغاتى تازه از غرب آورده و راه سعادت مندى جامعه را در رويكرد به آن معرفى مى كنند, بدون اين كه به جامعيت اسلام توجهى داشته باشند و تفاوت آن را با مسيحيت تحريف يافته كنونى بدانند.

رابطه دين و دنيا از نظر اسلام

آيات متعددى از قرآن و روايات فراوانى از پيشوايان معصوم& گوياى آن است كه اسلام, دين جامع و كاملى است كه براى كليه شئون زندگى انسان قانون دارد و سعادت دنيا و آخرت او را تضمين و تأمين مى كند.

اسلام همچنان كه در تمام ابعاد فردى و اجتماعى نظير جهاد, دفاع, امر به معروف و نهى از منكر, داورى, حدود, ديات, قصاص, سياست, تربيت, اخلاق, اقتصاد, روابط مسلمانان با يكديگر, روابط مسلمانان با كافران و… داراى برنامه دقيق و كامل است, راجع به عبادات و اخلاق فردى نيز برنامه دارد و دستوراتى براى روابط خانوادگى, معاملات, تجارت, تربيت فرزند, پيروى از اولوالامر, صلح, جنگ, حقوق جزايى, مدنى و… بيان كرده است.

رابطه دين و دنيا از ديدگاه اسلام شناسان

دانشمندان و متفكران اسلام شناس مسلمان كه ساليان متمادى راجع به شناخت اسلام وقت صرف نموده و به مطالعه درباره ابعاد مختلف آن پرداخته اند, با صراحت مى گويند: اسلام دين و دنيا را با هم مرتبط دانسته و براى هر دو مقرراتى وضع كرده است. در اين جا نظر دو شخصيت معروف را كه داراى مقبوليت عمومى مى باشند, ذكر مى كنيم.

استاد شهيد مطهرى(ره) مى نويسد: (در اسلام به همه جوانب نيازهاى انسانى اعم از دنيايى و آخرتى, جسمى يا روحى, عقلى و فكرى يا احساسى و عاطفى, فردى يا اجتماعى توجه شده است.)1

در جاى ديگر به تخطئه سخنان كسانى كه مسائل زندگى را جداى از هم مى بينند پرداخته و مى گويد: (…بعضى پا فراتر نهاده و گفته اند زندگى به طور كلى يك مسئله است و دين, مسئله ديگر, دين را نبايد با مسئله ٌزندگى مخلوط كرد. اين اشخاص اشتباه اولشان اين است كه مسائل زندگى را مجرد فرض مى كنند, خير, زندگى يك واحد و همه شئونش توأم با يكديگر است. صلاح و فساد در هر يك از شئون زندگى در ساير شئون زندگى مؤثر است. ممكن نيست اجتماعى مثلاً فرهنگ يا سياست يا قضاوت يا اخلاق و تربيت و يا اقتصادش فاسد باشد, اما دينش درست باشد و بالعكس. اگر فرض كنيم دين تنها رفتن به مسجد و كليسا و نماز خواندن و روزه گرفتن است, ممكن است كسى ادعا كند مسئله دين از ساير مسائل مجزاست; ولى اين مطلب فرضاً درباره مسيحيت صادق باشد, درباره اسلام صادق نيست.)2

امام خمينى(ره) مى فرمود: (نسبت اجتماعيات قرآن با آيات عبادى آن از نسبت صد به يك بيشتر است; از يك دوره كتاب حديث, كه حدود پنجاه كتاب است و همه احكام اسلام را در بر دارد, سه چهارم كتاب مربوط به عبادات و وظايف انسان نسبت به پروردگار است, مقدارى از احكام هم مربوط به عبادات و وظايف انسان نسبت به پروردگار است, مقدارى از احكام هم مربوط به اخلاقيات است, بقيه همه مربوط به اجتماعيات, اقتصاديات, حقوق و سياست و تدبير جامعه است.)3

پيوند دنيا و آخرت

قدر مسلّم اين است كه دين براى آنچه در قلمرواش است, برنامه دارد و ساكت نيست. نظر دين راجع به آخرت بر كسى كه پيرو دين باشد, پوشيده نيست. اما درباره دنيا بايد ببينيم رابطه دنيا با آخرت چيست و در منظر جهان بينى اسلامى, اين مسئله چگونه است؟ پيوند دين و دنيا جز بر ساده انديشان كم اطلاع از تعاليم اسلامى, بر كسى پوشيده نيست. به قول يكى از محققان:

(مذهب پيش از آن كه سراى آخرت را آباد كند, آبادكننده دنياست و اصولاً تا مذهب در اين زندگى تأثير نگذارد, تأثيرى براى آن زندگى نخواهد داشت. قرآن با صراحت اين موضوع را در آيات بسيارى عنوان كرده است.)4

از آن جا كه دنيا و آخرت به هم وابسته اند, لازمه اش اين است كه دين براى دنيا برنامه اى داشته باشد و چون ارتباط دنيا با آخرت پيش صاحب نظران, روشن و قطعى است, از اين رو بايد دنبال ادله توجه دين به امور دنيا رفت.

شهيد مطهرى درباره رابطه و پيوستگى زندگى اين جهان و آن جهان مى گويد:

(مطلب بسيار عمده و اساسى كه كتب آسمانى ما را بدان توجه داده اند, پيوستگى اين دو زندگى است. اين دو حيات از يكديگر جدا نيست, بذر آن حيات در اين حيات به دست خود انسان كاشته مى شود و سرنوشت آن حيات در اين حيات به وسيله خود انسان تعيين مى گردد.)5

پس جامعيت دين ايجاب مى كند كه هم براى دنياى مردم برنامه داشته باشد و هم براى آخرت آنان, زيرا با توجه به اين كه دنيا مقدمه آخرت و راه رسيدن به آن است, مى توان گفت همان گونه كه دين نمى تواند به مسئله اى از مسائل اخروى بى تفاوت باشد, به مسائل دنيوى نيز نمى تواند بى تفاوت باشد; بلكه بايد براى دنياى انسان برنامه ريزى دقيق داشته باشد و او را مساعدت كند تا بتواند با عمل به آن, خود را براى آخرت مهيا كند, زيرا هر كارى كه ما انجام مى دهيم به گونه اى در سعادت يا شقاوت ما نقش دارد, بلكه هر عملى كه انجام مى دهيم, نتيجه آن را در دنيا يا در آخرت خواهيم ديد; بنابراين وظيفه دين است كه رفتارهاى دنيوى ما را سامان بخشد تا آخرتمان تأمين گردد.

پيامبرھ نيز با عنايت به اين مسئله, تمام برنامه هاى تضمين كننده سعادت دنيوى و اخروى را براى امتش تبيين كرد; چنانكه فرمود: (ما من شئ يقربكم الى الجنة ويباعدكم عن النار الا وقد امرتكم به وما من شئ يقربكم من النار ويباعدكم من الجنة الا وقد نهيتكم عنه6; چيزى نيست كه شما را به بهشت نزديك يا از جهنم دور سازد مگر آن كه شما را بدان فرمان دادم و چيزى نيست كه شما را به جهنم و از بهشت دور گرداند جز آن كه شما را از آن باز داشتم.)

با توجه به اهميت اين مسئله, موضوع پژوهش مقطع ديپلم و بالاتر اين شماره را (دين و دنيا) قرار داديم تا پژوهش گران جوان با مطالعه و تحقيق فراگير در ابعاد گوناگون آن, مقاله هاى سودمندى براساس محورهاى تعيين شده بنويسند و گامى بلند در ترويج و شناساندن انديشه ناب اسلامى بردارند.

محورهاى بحث:

1. ضرورت بحث درباره چگونگى رابطه و پيوند دين و دنيا.

2. بررسى و نقد ادله قائلين جدايى دين و دنيا.

3. علل پيدايش انديشه عدم ارتباط دين و دنيا در جهان مسيحيت و اسلام.

4. دلايل پيروان اسلام بر پيوند دين و دنيا.

5. بحث دين و دنيا از منظر قرآن و سنت.

منابع:

1. قرآن كريم.

2. كتاب هاى نهج البلاغه, وسائل الشيعه, بحارالانوار و….

3. كتاب هاى استاد شهيد مطهرى: مجموعه آثار, ج2; سيرى در نهج البلاغه, اسلام و مقتضيات زمان.

2. مجله كتاب نقد, شماره هاى 1و2و3.

3. مجله حكومت اسلامى, شماره هاى 5و6.

4. كتاب هاى آيةاللّه مصباح يزدى: پاسخ استاد به پرسش جوانان; پند جاويد و….

5. مجله حوزه, شماره91.

6. كلام جديد, عبدالحسين خسروپناه.

7. معاد در نگاه عقل و دين, محمدباقر شريعتى سبزوارى.

پى نوشت ها:

1ـ مجموعه آثار, ج2, ص62.

2ـ همان, ص401.

3ـ ولايت فقيه, امام خمينى, ص5.

4ـ تفسير نمونه, ج9, ص11.

5 ـ مجموعه آثار, همان, ص520.

6 ـ بحارالانوار, ج70, ص96